اهداف جهان ثروتمند

از : مرکز تحقیقات و بررسی های اقتصادی اتاق بازرگانی

جایگاه واقعی ایران در بازرگانی خارجی

آقای یحیی آل اسحق وزیر بازرگانی ماه گذشته در دانشکدهء بازرگانی‏ دانشگاه علامهء طباطبائی درباره جایگاه واقعی ایران در بازرگانی خارجی‏ سخنرانی کرد.از آنجا که این سخنرانی حاوی مطالب آموزنده‏ای دربارهء موقعیت و امکانات ایران در تجارت جهانی و نیز برنامه‏های آیندهء کشور در زمینه بازرگانی خارجی،میباشد،در زیر متن سخنرانی مذکور از نظر خوانندگان‏ میگذرد:

من قصد ندارم در این فرصت کوتاه، وارد مباحث تاریخی مربوط به تجارت‏ خارجی شوم.اینقدر اشاره مینکنم که‏ مبادله و دادوستد کالا بازرگانی بشر عجین بوده و سهم عمده‏ای از- پیشرفتهای بشر،مستقیم یا غیر مستقیم‏ از طریق مبادلهء کالاها،خدمات، تکنولوژی و دانش فنی صورت گرفته‏ است.در عصر ما پیمان عمومی تعرفه و تجارت که اصطلاحا به‏"گات‏"معروف‏ شده،با این شعار بوجود آمد که:"تجارت‏ آزاد بین ملل،عاملی برای صلح و توسعه‏ در مقیاس جهانی محسوب میشود." امروز بالاترین تلاش جوامع بیشری‏ مصروف‏"تولید برای صدور"و امور مربوط به صادرلت و واردات میشود. جنگهائی که در تاریخ روی داده اکثرا بخاطر تصرف بازارهای مواد خام‏ و بازارهای فروش محصولات ساخته‏ شده بوده است و متقابلا،دادوستد آزاد و گسترده نقش اساسی در جلوگیری‏ از بسیاری از جنگهای محتمل‏الوقوع‏ ایفا کرده است.به این ترتیب هر خدمتی که ما به توسعهء بازرگانی‏ خارجی کشورمان بکنیم هم در توسعهء اقتصادی کشورمان مؤثر خواهد بود و هم به صلح و ثبات و توسعه منطقه و جهان کمک خواهد کرد.

پس از این اشاره کلی،کمی به موضوع‏ نزدیکتر میشویم:

موقعیت ممتاز ایران

کشور ما با موفقیت جغرافیائی فوق‏ ممتاز نه فقط در گذشته‏های دور نقطهء اتصال شرق و غرب جهان بوده،بلکه‏ امروز نیز در عصر هواپیماهای مافوق‏ صوت و ارتباطات ماهواره‏ای،همچنان‏ و شاید بیش از همیشه،از اعتبار بالقوه‏ای در تجارت جهانی برخوردار است جادهء ابریشم که روزگاری شهرهای‏ مهم چین را از طریق شرق و شمال‏ و شمال‏شرق ایران به بیزانس متصل‏ میکرد،امروز جای خود را به آبراه‏ خلیج فارس،دریای عمان داده است، از تنگهء هرمز،هر ده دقیقه یک نفت‏ کش عبور میکند که نفت ایران و کشورهای منطقهء خلیج فارس را به‏ سراسر جهان حمل میکند.این‏ محصولات بزرگترین نقش را در گردش‏ چرخهای صنایع کشورهای مختلف‏ جهان ایفا میکنند.

کشور ما این ظرفیت را دارد که از طریق جاده و راه‏آهن بصورت نقطهء اتصال شرق و غیر جهان درآید و بصورت مرکز فعال دادوستد جهانی ایفای‏ نقش کند،کالاهای گوناگون در اینجا ساخته شده و صادر شود و یا از نقاط مختلف جهان به اینجا آورده شود و سپس دوباره به بازارهای مصرف‏ توزیع گردد و باین ترتیب آنچنانکه مقام ریاست جمهوری اسلامی ایران‏ در مراسم نوزدهمین نمایشگاه‏ بین المللی بازرگانی تهران فرمودند: با استفاده از وسائل مدرن،بار دیگر جادهء ابریشم را در مفهوم امروزی آن‏ احیاء کند.

اهمیت صادرات

توجهی که باید به صادرات داشته‏ باشیم ناشی از هوی و هوس نیست، بلکه بلکه ضرورت است.میتوان‏ موضوع را باین ترتیب خلاصه کرد.

یکم:داشتن هدف صادراتی ما را به سوی تولید میکشاند.زیرا مادام که‏ کالائی برای عرضه کردن در بازارهای‏ جهانی نداشته باشیم،سخن از صادرات گفتن معنا ندارد.

دوم:توجه به تولید برای صادرات‏ سبب استفاده بهتر از منابع ملی-اعم‏ از نیروی انسانی و ذخائر کاهنده و فزاینده-مانند معادن و جنگلها میشود.

سوم:افزایش سطح اشتغال که در سایهء تولید صادراتی صورت میگیرد، بهترین وسیلهء توزیع عادلانه‏تر درآمدها محسوب میشود.هیچ کشوری‏ در جهان موفق نشده است فرمولی‏ بهتر از افزایش سطح اشتغال برای توزیع‏ عادلانه‏تر درآمدها،ارائه دهد.

چهارم:در پرتو تولید-با هدف‏ صادرات-ارزش افزوده بوجود میاید که بمعنی نقد کردن قدرتهای تولیدی‏ جامعه-اعم از نیروی انسانی و ذخایر- میباشد-این ارزش افزوده بر میزان‏ ثروتمندی جامعه می‏افزاید و همهء کسانیکه به نحوی در ایجاد ثروت نقشی‏ داشته‏اند،از آن سهمی می‏برند.

پنجم:در سایهء تو سعهء اشتغال ناشی‏ از تولید صادراتی،سطح مهارتها و تخصصها در جامعهء افزایش میباید که‏ بنوبهء خود در بالا بردن میزان ارزش‏ افزوده مؤثر خواهد بود و به این ترتیب‏ دور تکاثری اشتغال-مهارت-درآمد- توزیع شروع میشود.این مکانیزم اگر از خطا بر کنار باشد میتواند پیوسته بر سطح‏ رفاه جامعه بیافزاید.

ششم:تولید با هدف صادرات ما را ملزم میسازد که کالاهائی قابل رقابت‏ با صدها نوع مشابه خارجی و با قیمتی‏ مناسب تهیه کنیم و این امر استاندارد تولیدات ما را تا سطح رایج تولیدات‏ :کشورهای پیشرفته بالا میبرد.

هفتم:در سایه داشتن بازارهای‏ صادراتی جریان تولید نظم و استمرار بهتر پیدا میکند زیرا که هرچه بازار وسیعتر و متنوع‏تر باشد کمتر،از تغییرات‏ تک بازاری،متأثر میشود.

هشتم:مطمئن‏ترین و بهترین طریق‏ تحصیل ارز خارجی،صادرات‏ فراورده‏های تولیدی با ارزش افزوده‏ است در یک معنی دیگر وقتی ما مواد خام‏ صادر میکنیم بخشی از ثروت ملی را می‏فروشیم.اما اگر همان مواد ساخته و بعد صادر شود ارزش افزوده‏ای ناشی از کار ملی که عاملی زاینده و فزاینده است‏ با آن عجین میشود که گاه این ارزش چند صد و گاه چندین هزار برابر مواد اولیه‏ بکار رفته در آن است.

ارزش افزوده

در تشریح این مساله لا اقل برای ما ایرانیها ساده‏ترین و ملموس‏ترین مثال‏ همان قالی دستباف ایرانی است. یک قطعه فرش نفیس ایرانی را در نظر بگیرید،قیمت آنرا در بازارهای‏ بین المللی،با قیمت پنبه،پشم،ابریشم‏ و رنگ بکار رفته در آن بسنجید.گاه‏ چندین هزار برابر،ارزیش افزوده‏ نسبت به قیمت مواد خام ایجاد میشود که ناشی از کار و مهارت نیروی‏ انسانی در داخل کشور است،این مثال‏ زنده در مورد یک تابلوی نقاشی،یک‏ تألیف برجسته یا یک فرآورده صنعتی‏ نیز مصداق دارد.

نهم:و بالاخره از طریق ارز حاصل از صادرات کالاهائی با ارزش افزوده، قابل ملاحظه میتوانیم واردات کالاهای‏ مورد نیاز خود را با اطمینان و بدونه‏ ترس از وامدار شدن وارد کنیم و با آنها باز کالاهای جدیدی،با ارزش افزودهء بیشتر،تولید و صادر کنیم و به روند رشد از طریق تولید و صدور شتاب و استمرار بخشیم.

بنظر میرسد این مختصر برای نشان‏ دادن اهمیت‏"تولید برای صادرات‏" کافی باشد،با اینهمه،حق اینست که‏ هرچه در این زمینه گفته شود خارج از موضوع نخواهد بود.

جاذبه کاذب واردات

ما در گذشته‏ای نه‏چندان دور،تحت‏ تأثیر یک جاذبهء حیله‏گرانهء و کاذب‏ مجذوب و کالاهای وارداتی شدیم و قدرت تولید و خلاقیت خود را حتی در زمینه فراورده‏هائی که روزگاری‏ معروفترین تولیدکنندهء جهانی آنها بودیم،از دست دادیم و به وارد کردن‏ بنجلهای خارجی روی آوردیم.اینک‏ زمان بازشناسی ارزشهای ملی و تشخیص‏ ارزشهای واقعی از نیرنگها و ترفندهای‏ تبلیغاتی خارجی است.ما نه فقط در بسیاری زمینه‏ها از مزیت نسبی برای‏ تولید و صدور برخوردر هستیم،بلکه‏ در رشته‏های معینی از مزیت مطلق‏ برخورداریم فرضا در مورد قالی‏ دستباف اگر ما فقط در بازارهای جهانی‏ و در سطح مصرف‏کنندگان در شهرها و روستاهای کشورهای قادر به خرید،به‏ معرفی سالم فرش ایرانی بپردازیم، منطقا تا هنگامی که یک قالی یا قالیچهء ایرانی در بازار موجود باشد نباید خریداری متمایل به خرید فرش دستباف دیگر کشورها شود.این‏ مزیت مطلق متعلق به ما و مال‏ هنرمندان و صنعتگران فرش ایرانی و حاصل چند هزار سال تلاش همهء نسلهائی است که این هنر یگانه را حفظ کرده و آنرا تا سر حد یک قصیدهء عرفانی‏ تعالی بخشیده‏اند.هنرهائی مانند خاتم‏کاری و قلمزنی و کنده‏کاری روی‏ فلزات از این جمله‏اند.با اینهمه اگر فرض شود که ما در صادرات به چند قلم صنایع دستی یا خشکبار و پوست و پشم و پنبه اکتفا کنیم،دچار اشتباه‏ شده‏ایم البته صادرات هنرهای دستی‏ و فراورده‏های کشاورزی خود را حفظ خواهیم کرد و آنرا توسعه خواهیم داد، لیکن در همان تلاش اساسی ما اینست که در ردیف تولیدکنندگان و صادرکنندگان مهم کالاهای صنعتی که‏ در آنها از مزیت نسبی طبیعی برخوردار هستیم درآئیم.تا چند سال پیش‏فرض‏ اینکه ما بتوانیم صادرکنندهء آهن و فولاد و مس و آلومینیوم باشیم بعید بنظر میرسید،اما امروز عملا صادر- کنندهء این کالاها هستیم و ده‏ها کالای‏ مشابه دیگر بتدریج دارد وارد خط تولید صادراتی میشود.برنامهء ما اینست که‏ بر تعداد اینگونه کالاها بیفزائیم و حجم‏ تولید و صادرات را در حد امکان بالا ببریم.